

Cultural and Social Characteristics of Iranians during the Qajar Era as Seen Through the Travelogue of Adolfo Ribadeneira Sánchez

*Elham Malekzadeh*¹

*Mohammadmasoud Sadeghi*²

The cultural and social characteristics of Iranians, as viewed by Orientalists and foreigners referred to in this article as the "other" have been a focus of studies in social and cultural history. These travelogues are significant because, in addition to providing insights into past events, they are used to better understand the characteristics, features, customs, and traditions of nations that have often been lost in the ups and downs of history. Ribadeneira Sánchez's travelogue, titled "A Journey to the Heart of Persia," is one such source from the Naser al-Din Shah Qajar era. A study of this travelogue reveals numerous elements of the religious characteristics, customs, traditions, cultural behaviors, and social actors of Iran during the Naser al-Din Shah Qajar era. This article aims to answer the question: What were the cultural and social characteristics of Iranians during the Qajar era, according to Adolfo Ribadeneira Sánchez? It examines and analyzes the social and cultural axes of the aforementioned travelogue and the extent of the author's understanding of Iranian society. The research method of this article is descriptive-analytical based on the text of the travelogue. According to the findings of this research, from Adolfo's perspective, Iran is one of the most powerful representatives of history, as Iranians have always lived freely in tribal societies. In this country, while efforts have been made to preserve the traditions of previous generations and minorities, unique principles of governance have also been established.

• **Keywords:**

Iran, Qajar, travelogue, Adolfo Ribadeneira Sánchez, cultural characteristics, social characteristics, Iranians.

¹ Associate Professor, Department of Social History, Research Institute of History, Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author) elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

² PhD Student in History, Research Institute of History, Humanities and Cultural Studies, Tehran,



ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان دوره قاجار از منظر سفرنامه آدولفو ریبادنیرا سانچز

الهام ملک‌زاده^۱

محمدمسعود صادقی^۲

چکیده

ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان از منظر مستشرقین و خارجیان که در این مقاله تعبیر به «دیگری» شده، مورد توجه مطالعات تاریخ اجتماعی و فرهنگی است. این سفرنامه‌ها، بدین رو حائز اهمیت‌اند که علاوه بر قابلیت شناخت وقایع گذشته، در فهم بهتر خصوصیات، ویژگی‌ها و آداب و رسوم ملت‌ها که اغلب در فراز و فرود تاریخ از بین رفته‌اند، مورد استناد واقع می‌شوند. سفرنامه آدولفو ریبادنیرا سانچز از این دست منابع در دوره ناصری است که با نام «سفر به قلب سرزمین پارس» باقی است. مطالعه و بررسی این سفرنامه، حاوی مؤلفه‌های متعددی از ویژگی‌های مذهبی، رسوم و سنن، رفتارهای فرهنگی و اشخاص فعال اجتماعی ایران دوره ناصری است. مقاله حاضر بر آن است تا در مقام پاسخ به این سؤال که ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان دوره قاجار از دیدگاه ریبادنیرا سانچز چه بوده؟ محورهای اجتماعی و فرهنگی سفرنامه مذکور و میزان شناخت وی از جامعه ایرانی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. روش پژوهش مقاله، توصیفی-تحلیلی بر اساس متن سفرنامه خواهد بود. طبق یافته‌های حاصل از این پژوهش، از نظر آدولفو، ایران از قدرتمندترین نمایندگان تاریخ است، چرا که همیشه آزادانه در قالب جامعه قبیله‌ای زندگی کرده‌اند و در این کشور ضمن اینکه سعی شده تا سنت نسل‌های قبل و اقلیت‌ها حفظ شود، اصول منحصر به فرد کشورداری نیز استقرار داشته است.

واژگان کلیدی:

ایران، قاجاریه، سفرنامه، آدولفو ریبادنیرا سانچز، ویژگی‌های فرهنگی، ویژگی‌های اجتماعی، ایرانیان.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

^۱ دانشیار گروه تاریخ اجتماعی پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران- ایران (نویسنده

مسئول) elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران- ایران okmasoud@gmail.com



مقدمه

انسان‌ها بدون ارتباط نمی‌توانند زندگی کنند؛ پیامدهای این ارتباط وابستگی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری خواهد بود و غایت پیوستگی‌ها و رابطه‌ها، دگرگونی و تکامل فردی و همگانی و در نتیجه ترقی و توسعه جامعه است. کهن‌ترین عامل ارتباط درون‌گروهی را اگر زبان و گفت‌وگو بدانیم، سفر و تماس بین جوامع، دومین اصل ارتباط مؤثر محسوب می‌شود. نوشتن خاطرات از ماندگارترین ارکان سفر است و می‌تواند فواید بسیاری برای خوانندگان آن در برداشته باشد. یکی از جذاب‌ترین دلایل نگارش سفرنامه‌ها، آشنایی با مناطق ناشناخته و دوردست بود. اما وجه اساسی سفرنامه‌نویسی صرفاً نگارش و یا تشریح خاطرات وقایع شخصی حین سفر نیست، بلکه نوشتارهایی در اینجا قابلیت اساسی پیدا می‌کنند که علاوه بر این نکات، تجربیاتی آموزشی برای خوانندگان در مورد فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و وقایع ارائه کنند تا شناخت مناسب‌تری در باره دنیای پیرامون ایجاد شود.

سفرنامه‌نویسی موقعیتی ارزشمند است که امروزه بسیاری از بنگاه‌های بزرگ رسانه‌ای و تحقیقاتی بین‌المللی را واداشته است که با هدفمند کردن این مقوله، بسیاری از ظرفیت‌های ناشناخته جهان پیرامون را شناسایی کنند. با این وصف، مسافران و سفرنامه‌هایشان دانسته یا ندانسته می‌توانند در تحول جوامع انسانی نقش مؤثری ایفاء نمایند. سوی از تأثیرات فرهنگی متقابل که پس از جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و دادوستدهای بازرگانی پیش می‌آمد، مسافران همچون خبرنگاران امروزی بین تمدن‌های مختلف در طول تاریخ بشر ارتباط برقرار کرده‌اند. بنابراین، پژوهش در باره سفرنامه‌ها و بازشناسی آنها که خود آینه شفاف گذشته‌اند و تصویری واقعی از جامعه و فرهنگ را نشان می‌دهند، به‌عنوان ابزاری سودمند در خودشناسی تاریخی، امکان شناخت را فراهم می‌کنند.

سفرنامه‌ها، توصیف دیده‌ها و شنیده‌ها با ترکیبی از برداشت‌های فکری و شخصی جهانگردان از یک سرزمین و مردمانش، زندگی روزانه آنان، آداب و رسوم، خلق و خو، خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها، صنعت و دیگر امور آنها است. طی ادوار مختلف تاریخ، ایران مورد توجه کشورها و اشخاص مختلف داخلی و خارجی اعم از مأمورین سیاسی، ادیبان، محققان، شاعران، نویسندگان و گردشگران خارجی قرار داشته است. در این بین، اسپانیایی‌ها از این قاعده مستثنی نبوده، حاصل مشاهدات خود را در قالب سفرنامه‌هایی برگرفته از دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربیات، رخدادها و احساساتشان برجای گذاشته‌اند، ضمن اینکه این آثار دارای جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از جامعه ایران بوده است.

آدولفو ریبادنیرا سانچز^۱ تنها اروپایی اسپانیایی تبار بود که به‌عنوان کنسول اسپانیا در مدت یک سال (۱۸۷۵-۱۸۷۴م.) سراسر ایران از شمال تا جنوب را سفر کرد و مشاهدات خود را در قالب سفرنامه‌ای به رشته تحریر درآورد. سفرنامه آدولفو مشحون از مطالب متعدد و متنوعی است که طی سفر گردآوری کرده، ضمن اینکه از مطالعه و بازنویسی کتیبه‌ها، شناخت حکام و نظامیان، مسافران و خدمه اخراجی دربار و حرمسرای ناصری نیز غافل نبوده است. همین دقت نظر و توجه خاص وی به جزئیات موجب شد تا به کلیه مسائل قصر ناصرالدین شاه اشراف یابد. با شاعران ایرانی آشنا شود، سر از خرابه‌های تخت جمشید درآورد و در پاسارگاد موفق به دیدن آرامگاه کورش هخامنشی شود. پژوهش حاضر، این سؤال اصلی را مدنظر دارد که سفرنامه آدولفو ریبادنیرا به‌عنوان «دیگری»، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان دوره قاجار را چگونه شناسایی و معرفی کرده است؟ با توجه به رویکرد آدولفو که توأمان وجوه تاریخی، اوضاع اجتماعی و خرده فرهنگ‌های جامعه ایرانی را در سفرنامه خود ثبت کرده است، می‌توان به دسته‌بندی ارزشمندی از تأملات وی در فرهنگ، جامعه و سیاست ایران دست یافت. امری که در ساحت دیپلماسی فرهنگی می‌تواند ضمن اینکه مورد توجه سیاست‌گزاران عرصه دیپلماسی و روابط خارجی باشد، الگوی عملی کسانی که در حوزه فعالیت دیپلماتیک در کشورهای مختلف حضور دارند، از انتقال دیده‌ها و شنیده‌هایشان جهت ارتقای آگاهی‌های عمومی از جوامع دیگر بهره ببرند؛ همچنین می‌تواند در شناسایی فرصت‌ها، درک تفاوت‌ها و استفاده از بزنگاه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای محل مأموریت، بهترین عملکرد را در پی داشته باشد.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه مطالعاتی در خصوص سفرنامه‌ها، کتاب ایران و ایرانی اثر غلامرضا انصاف‌پور (۱۳۶۳) را می‌توان نام برد که به تحقیق در صد سفرنامه دوران قاجار پرداخته است. او در اثر خود، کتاب‌هایی که ایران‌پژوهان، نویسندگان سفرنامه‌های تحقیقی یا تفریحی و مأموران سیاسی پنهان و آشکار خارجی در باره وضع ایران و ایرانیان در دوره قاجاریه قلم‌زده‌اند را مورد تدقیق و واکاوی قرار داده، از دید بیگانگان به ارائه سرشت، منش، گوهر ذاتی، فولکلور، اعتقادات دینی، وضع اقتصادی، سیاسی، سازمان‌های دولتی و خصایص هر یک از افراد گروه‌های شغلی ایرانیان پرداخته است. محمود آیتی (۱۳۷۴) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان

1. Adolfo Rivadeneyra Sanchez

«سیری در سفرنامه‌ها- عصر قاجار-» در سه فصل، سفرنامه‌های این دوره را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. در فصل اول، نقش سفر در پیشرفت و تکوین تمدن بشری، اشارات و اهمیت سفر در آثار دینی (از جمله در قرآن کریم و نهج البلاغه)، ادبی و فارسی، تعریف و شناخت سفرنامه، شرایط و ویژگی‌های جهانگرد و اصول سفرنامه‌نویسی را مطرح کرده است. در فصل دوم، چند سفرنامه مهم فارسی در باب فرنگ و فرنگی را بررسی و هر کدام از آن سفرنامه‌ها را از نظر شخصیت نویسنده، برخورد و بینش جهانگرد نسبت به مسائل گوناگون، محل دیدار، جنبه‌های فرهنگی و سبک نوشتار سفرنامه را بررسی و مورد نقد قرار داده است. فصل سوم، بخش اصلی این پایان‌نامه، نظر جهانگردان معروف اروپایی در مورد ایران و ویژگی‌های مثبت و منفی ایرانیان عهد قاجار از جمله اخلاق، مهمان‌نوازی، رشوه‌خواری و خرافات را مورد سنجش، تحلیل و ارزیابی قرار داده است. با توجه به موضوعیت سفرنامه یک اسپانیایی به نام آدولفو ریبادنیرا سانچز و مرتبط با دوره ناصری، مقاله حاضر فاقد پیشینه پژوهش است.

سفر آدولفو ریبادنیرا سانچز به ایران و اهداف وی

در حدود ۱۴۰ سال پیش، آدولفو سرزمین ایران از شمال تا جنوب را در حالی در نوردید و سفر کرد که تا آن روزگار هیچ اروپایی دیگری، چنین کاری را نکرده بود. این سفر در ابتدا با هدفی علمی و همچنین مطالعه راه‌های تجارت با ایران و با اهداف توسعه‌طلبانه اسپانیا در خاورمیانه انجام یافت. دولت جمهوری اول اسپانیا به آدولفو مأموریت داد تا امکانات تجارت با ایران را بررسی کند. در راه این مأموریت، آدولفو علاوه بر بررسی شهرهای اصلی ایران به مباحثی چون مذهب، تاریخ، آداب و رسوم مناطق مختلف، معماری غنی ایرانی و امکان برقراری تجارت توجه ویژه داشت که حاصل سفر و مطالعات وی، سفرنامه‌ای با عنوان «سفر به قلب سرزمین پارس» در سه جلد به سال ۱۸۸۰م. به چاپ رسید. پیش از این، آدولفو در مأموریت‌های خود به بیروت، زبان عربی را فرا گرفت و دمشق و اورشلیم را نیز دیده بود. همین تجربیات و دقت نظر ذاتی که به امور و پیرامون خود داشت، او را از برجسته‌ترین مأموران اروپایی قرن نوزدهم میلادی ساخت که نسبت به خاورمیانه، اطلاعاتی عمیق و شناختی کامل داشت. آدولفو از بنیان‌گذاران اصلی شرق‌شناسی در اسپانیا بود که هم‌زمان با آغاز مطالعات شرق‌شناسی اروپا، فعالانه در اسپانیا شروع به توسعه این رشته کرد و از طریق مطالعات و سفرنامه‌هایش به معرفی شرق در اسپانیا پرداخت. «سفر به قلب سرزمین پارس» در شمار کامل‌ترین پژوهش مطالعاتی اروپاییان است که در باره ایران سده نوزدهم میلادی

نوشته شده است. آدولفو که باستان‌شناس بود، قطعات زیادی از آثار باستانی ایران را به اسپانیا انتقال داد؛ آثاری که تاکنون در موزه ملی باستان‌شناسی اسپانیا نگهداری می‌شوند. وی در سال ۱۸۷۴م. در کسوت کنسول اسپانیا از راه باکو وارد ایران شد و خود را به تهران رساند و سه ماه بعد، سفر بزرگ خود را آغاز کرد. آدولفو در طول سفر از هیچ مقوله‌ای به‌سادگی عبور نکرد و در خصوص هر چیزی چون آب‌وهوا، آداب و رسوم، ارتباطات تجاری، بهای کالاها و خدمات کنجکاو بود و نتیجه مشاهدات و کاوش‌های خود را می‌نوشت. هر آنچه که یک تاجر باید می‌دانست را در نظر داشت و یادداشت می‌کرد. هر داستانی که می‌شنید، جمع‌آوری کرد و به مطالعه و بازنویسی کتیبه‌هایی که می‌دید، پرداخت. با حاکمان، نظامیان، مسافران و حتی خدمتکار جوان ناصرالدین شاه که به‌تازگی از حرمسرا اخراج شده بود و تمام جزئیات قصر را می‌دانست، مصاحبه کرد. آدولفو با ذکر جزئیات، کارخانه‌ها و معادن را در سفرنامه خود توصیف کرد و به شناخت خوبی از شاعران ایرانی رسید. در واقع فراتر از یک مأموریت تجاری، وی در جستجوی اهدافی بزرگ‌تر و عمیق‌تر، این سفر را آغاز نمود و با جدیت در سراسر سرزمین ایران دنبال کرد.

امکان‌سنجی تجارت با ایران

دولت اسپانیا به‌منظور بررسی شرایط و امکانات اقتصادی ایران به آدولفو مأموریت داد که در سفر به شهرهای اصلی ایران، این مقوله را مورد توجه قرار دهد. ضمن اینکه با اشراف به وضعیت مذهب، تاریخ، آداب و رسوم مناطق مختلف و معماری مرسوم، جامعه هدف را به درستی مطالعه و مورد تحلیل قرار دهد. وی طی سفرهای متعددش به شهرهای مختلف ایران، ظرفیت و قابلیت‌های تجاری ایران را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد و نتیجه این بررسی، توصیف و تحلیل ایران و شهرهایش بود که در قالب سه جلد کتاب به معرفی ایران برای اسپانیایی‌ها و جهانیان منجر شد.

اکتشافات باستان‌شناسی

از موارد مورد توجه اسپانیایی‌ها، آثار باستانی ایران بود. مطالعه، بازنویسی کتیبه‌ها، معماری و شناسایی قدمت باستانی ایران، طی یک سال سفر آدولفوی باستان‌شناس به کشف آثار و قطعات باستانی فراوانی انجامید که جهت تحقیق و تفحص بیشتر، آنها را به اسپانیا انتقال داد. وی توانست اشیای مربوط به دوره‌های تاریخی مختلف از جمله دوره ایلامی، هخامنشی،

سلوکی، پارت و ساسانی را پیدا کند و مورد بررسی قرار دهد (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۷: ۱۵؛ لیویوندن برگ، ۱۳۷۹: ۳۴).

شناخت دربار ایران

هدف دولت اسپانیا از اعزام آدولفو به ایران، فراتر از مقاصد تجاری و بازرگانی بود. در واقع دولت اسپانیا، به منظور نزدیکی بیشتر با دولت ایران علاقه‌مند بود که آگاهی بیشتری از شرایط داخلی و اندرونی کاخ شاهان آن دوره (ناصرالدین شاه) به دست آورد. از این رو، آدولفو در کسوت سفرنامه‌نویس وارد ایران شد و در مسیر سفر با افراد مختلف ولایات و ایالات مانند حاکمان، نظامیان، رجال و خدمه ارتباط برقرار کرد. در همین مرادوات توانست از بطن وقایع اجتماعی و فرهنگی جوامعی که با آنها معاشرت می‌کرد، باخبر شود. از آن جمله در صحبت‌هایی که با یکی از خدمه اخراج شده از قصر ناصری داشت، از تعداد زنان حرمسرا، معماری داخلی قصر، سوگلی‌ها و اوضاع روحی شاه آگاه شد. نتیجه بدیهی این اطلاعات، انتقال آنها به حکومت اسپانیا بود که کمک شایانی جهت برنامه‌ریزی اسپانیایی‌ها در ارتباط‌گیری با دربار ایران محسوب می‌شد (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۷: ۵۸).

بررسی بهره‌برداری استراتژیک از منطقه خلیج فارس

با توجه به جایگاه مهم خلیج فارس در منطقه خاورمیانه و فراتر از آن به دلیل موقعیت استراتژیک تجاری با کشورهای دیگر، ممالک غربی از سده‌های قبل برای شناخت بیشتر این منطقه، از مأموران خود جهت شناسایی منطقه و جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کردند. این وضعیت در دوره قاجار و مقارن با توسعه کشورهای غربی، آهنگ سریع‌تر و وسیع‌تری به خود گرفت و این مأموران به اشکال مختلف چون شاعر، نویسنده، محقق، نماینده سیاسی، بازرگان، مبلغ مذهبی و باستان‌شناس به دولت ایران معرفی و در این کشور به سیر و سفر مشغول می‌شدند. اسپانیایی‌ها نیز با هدف ایجاد پایگاه و مقر پشتیبانی قایق‌های اسپانیایی که به فیلیپین سفر می‌کردند، به ایران علاقه‌مند شدند. آدولفو در این تصمیم نقشی مهم یافت و مقرر شد با توجه به تسلط زیادی که به منطقه دارد، به طور رسمی وارد عمل شده و در چارچوب بسط سیاست‌های دولت اسپانیا به مأموریت خود مشغول شود. هر چند که ایتالیایی‌ها ابتکار عمل را به دست گرفته و سریع‌تر به تصاحب و استقرار در مواضع مختلف مستقر در خلیج فارس اقدام کردند (متولی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵؛ حق روستا، ۱۳۹۷: ۱۷).

آدولفو که به هر حال گام در این مسیر نهاده بود، به ابعاد مختلف ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ایرانیان توجه نمود که در دسته‌بندی از مؤلفه‌های مورد توجه وی و با تأکید بر فراوانی کلید واژگان مرتبط با حوزه اجتماعی و فرهنگی، مواردی به شرح زیر شناسایی و ارائه خواهد شد. موارد احصاء شده واژه‌ها شامل: مذهب ۲۶ بار و با بیشترین فراوانی، آداب ۲۰ بار، رسوم ۱۹ بار، دین ۹ بار، مسجد ۸ بار، اخلاق ۷ بار، حرمسرا ۷ بار، موسیقی ۶ بار، آواز ۵ بار، رقص ۴ بار، مهمان‌نوازی ۴ بار، فرهنگ ۳ بار، نماز ۳ بار، حجاب ۳ بار، چادر ۲ بار و تعزیه ۱ بار که مجموعاً ۱۲۷ بار از کلید واژگان با دامنه حیات فرهنگی ایرانیان استفاده شده است. بررسی برخی از کلید واژگان مذکور متن سفرنامه در دو بخش ویژگی‌های اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی عبارتند از:

ویژگی‌های اجتماعی

ویژگی‌های ارتباطی سلطنت و ارکان حکومتی

آدولفو در سفرنامه خود به‌دقت تصویری از اجتماع درباری و نهاد حکومتی ایران ارائه می‌دهد. به‌عنوان مثال مقاماتی که شاه منصوب می‌کند، عناوین خانواده‌های سلطنتی و آداب مربوط به آنها را شرح می‌دهد. همچنین تحقیق کاملی از ارتش ایران و درجات آن، نیروهای آماده نبرد و تسلیحات، آموزش آنان و ضعف‌ها و قوت‌های آنان را تشریح کرده است. در سفرنامه آدولفو، توصیف جامعی از وزارتخانه‌های مختلف، وزیران و نمایندگان آنها و عملکردشان وجود دارد که بسیار کامل است. گاهی با جدیت از ارتباطات یاد می‌کند که حکومت و سایر بخش‌ها را با جزئیات موجود در اسپانیا بررسی می‌کند. او وزارت خزانه سلطنتی شاه را با چنان جزئیاتی شرح می‌دهد که گویی آن را از نزدیک لمس کرده است. به همان میزان با ذکر جزئیات از حرمسرای شاهی می‌نویسد و از سازماندهی و آداب ورود و خروج ساکنان آن سخن می‌گوید (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۵۳).

آدولفو سرزمین پارس را می‌ستاید، اما در نگاه او، مردم کنونی این سرزمین در اولین مراحل پیشرفت خویش قرار دارند. وی معتقد است که ایران خاستگاه تمدن ماست، اما هرگز به کمال خویش نرسیده و دوران جوانی متعددی را که به کمال رهنمون می‌شدند، از سر گذرانده است (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۵۳). سپس نتیجه می‌گیرد ایرانی که وی شناخته، همان ایران سه‌هزار سال پیش است. قبیله‌های لر، عرب و فارس دارای نوعی اجتماع اولیه‌اند که در طبیعت بشری نهفته است. او کوروش را با ناصرالدین شاه مقایسه می‌کند که در سال

۱۸۹۶م. از دنیا می‌رود، چرا که هر دو سرور قبایل بسیاری بودند (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۵۳). از نظر آدولفو، نوع حکومت ایران تاکنون تغییر نکرده و استدلال می‌کند که ایرانیان به لحاظ معنوی تغییر نکرده‌اند. در واقع او می‌اندیشد و در مورد آدابی که مردم از زمان‌های قدیم حفظ کرده‌اند، مباحثه می‌کند (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۵۳).

روابط اجتماعی عموم مردم

در بررسی روابط اجتماعی، آدولفو به دشنام‌ها و فحش‌هایی که ایرانیان به هنگام نزاع نثار یکدیگر می‌کنند، اشاره نموده و تأکید می‌کند که ایرانی‌ها برای صدمه زدن به طرف مقابل، دشنام‌هایی که به خانواده برمی‌گردد و فحش‌های ناموسی می‌دهند؛ اما هرگز به خدا توهین نمی‌کنند (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

آدولفو در مقایسه رفتار اجتماعی میان مردم ایران و اسپانیا زمانی که از کسی خواسته می‌شد کاری ولو نادرست را انجام دهد، می‌نویسد: «... واقعاً عجیب است در کشور اسپانیا که کاتولیک‌ترین کشور اروپا محسوب می‌شود، برای این کار عبارت کفرآمیز و بسیار زشتی به کار می‌رود. [اما در ایران] زمانی که درخواست چیزی می‌کنند، هر چه باشد، بی‌تردید باید جواب داد: «به روی چشم» و در جواب آن هم باید گفت: «چشم بی‌بلا»، اما هیچ‌وقت آن درخواست انجام نمی‌شود. به همین دلیل گاهی لازم است در جواب بگویند «بله» و به این ترتیب به او خواهند گفت که «دستت به ماه برسد» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در ادامه در ارتباط با عدم توانایی نه گفتن ایرانیان در روابط اجتماعی بیان می‌دارد: «آری، همان بله، تنها زمانی استفاده می‌کنند که عمل واضح است. در این مورد اخیر سر را در حالی که به روبرو نگاه می‌کنند، به طرف پایین خم می‌کنند و برعکس آن برای گفتن نه (جواب منفی)....» در نتیجه یک ایرانی هرگز نه نمی‌گوید، حتی در مواقعی که جواب واقعاً منفی باشد، کاری که مورد تأیید سعدی نیز هست: نتیجه دروغ از راست‌گویی بهتر است، چرا که راست‌گویی منشأ بیشتر نزاع‌هاست^۱. بنابراین، بهترین کار این است که روی او حساب نکنیم یا اینکه به گونه‌ای هدایتش کنیم که خواسته وی مانعی برای خواسته‌های ما نباشد. شاید این امر به نظر نوعی مبالغه و اغراق برسد، اما حقیقت دارد، به این ترتیب همیشه از عباراتی همچون: «به مولا قسم، به سرت قسم، به ریشتم قسم، به مرگ خودت، به خاکی که بوسیدم

۱. اشاره به سخن سعدی است که دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز است.

(البته اگر حاجی شده باشند و به زیارت مکه رفته باشند) و به مرگ بچه‌ها و موارد دیگر استفاده می‌کنند (ریبادینیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

بورسیه تحصیلی ایرانیان

آدولفو در سفرنامه خود می‌نویسد: «به‌عنوان سفر به قلب سرزمین پارس دستیار یا همان میرزا، یک ارمنی اهل اصفهان را به خدمت گرفتم. چرا که پیدا کردن یک شیعه باسواد و با اطلاعات که جرأت کند مرا همراهی کند، به‌دلیل ترس از اینکه توسط همکیشانش زیر سؤال نرود و در هر قدمی به وی نگویند: «داری با یک فرنگی زندگی می‌کنی، چه گناهی!»، تقریباً غیرممکن بود. میرزا اکبر جوانی تحصیلکرده در کالج لازارف مسکو بود، کالجی که توسط یک فرمانروای ارمنی اصفهان به نام لازارف پایه‌گذاری شده و سالیانه تعدادی خاص بورسیه به هموطنان هم‌مذهب خود اعطاء می‌کرد و به‌دلیل افزایش اهمیتش، این کالج به نام بنیانگذار خود خوانده شد. به دلیل تمایلی که روس‌ها به جذب تمام چیزهای خوب دارند، حالا منشأ آن هر جا که باشد، این دستیار علاوه بر فارسی، زبان‌های ارمنی، روسی و ترکی هم بلد است، به‌طوری که به تقریب غیرممکن است کسی پیدا شود که یکی از ما نتواند با وی ارتباط برقرار کند. وی از طرف من، وظیفه عرض ادب به مقامات هر منطقه‌ای را که به آنجا می‌رسیم، دارد و همچنین وظیفه یاری رساندن به من برای جمع‌آوری هر گونه خبر و اطلاعات» (ریبادینیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۲۴). می‌توان مشاهده نمود که در این بخش از سفرنامه، آدولفو به افرادی که از سوی حکومت دارای بورسیه تحصیلی در خارج از کشور بوده‌اند، اشاره می‌کند و آنها را به عنوان بخشی از جامعه مدنی ایران در دوران قاجار می‌شناسد.

رسوم ازدواج و تشکیل خانواده

آداب و رسوم ایرانیان از جمله ازدواج، بازتابی چشمگیر در آثار مسافران خارجی که در دوره قاجار به ایران آمده‌اند، داشته است. ایرانیان، در این دوران آداب و ضوابط خاصی در ارتباط با ازدواج و مسائل مربوط به آن نظیر خواستگاری، نکاح، مهریه و طلاق داشته‌اند. نحوه برگزاری ازدواج در میان اقشار مختلف متفاوت (در بین اقشار پایین و اقشار بالا به‌دلیل تمکن مالی) بوده است. ضمن اینکه چندهمسرگزینی و عادی بودن آن (چه به‌صورت دائم و چه به صورت موقت) از سوی خارجیان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌عبارتی بهتر، آداب

خاص و ویژه ازدواج در میان ایرانیان، یکی از وجوه بارز هویتی آنان به‌شمار می‌آید که در نوشته‌های سفرنامه‌نویسان خارجی بازتاب یافته است.

آدولفو نیز مشاهدات خود در این زمینه را چنین بیان می‌کند: «... در این کشور ارتباط زن و مرد بسیار سهل‌تر از سایر ممالک است. چون همان‌گونه که گفتم آنها دارای ازدواج موقت هستند که به مرد اجازه می‌دهد با هر زنی که می‌خواهد ازدواج موقت از یک‌ساعته تا ۹۹ ساله داشته باشد. برای این امر عروس و داماد مقابل‌ملاً حاضر می‌شوند. عروس می‌گوید: «به تو یا هر که هستی این اجازه را می‌دهم تا در مقابل فلان مبلغ به‌عنوان مهریه تا فلان زمان که از امروز شروع می‌شود، آزادانه از من بهره‌مند شوی» و داماد پاسخ می‌دهد: «من این بهره‌مندی را در دوران معین می‌پذیرم» یا فقط می‌گوید: «می‌پذیرم»؛ پیش‌نویس عقد موقت نوشته می‌شود و رسمیت می‌یابد (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

در ادامه آدولفو اشاره می‌کند که قاعداً زندگی زنان حرم باید تیره‌وتار باشد. تمام‌کار و مشغولیت آنها در متحد کردن کنیزان، ابراز عشق و علاقه به شوهر و جست‌وجوی راه‌های خشنودی او خلاصه می‌شود. در خارج از حرم، روز یا صرف کشیدن قلیان می‌شود یا صرف سرگرم شدن از طریق جویدن صمغ بعضی از درختان یا صرف رنگ کردن ابروها، گونه‌ها و دست‌ها به‌رنگ نارنجی به‌وسیله حنا و یا صرف از بین بردن موهای زائد. البته این کارها بین زنان و مردان مشترک است که تمام این چیزها حکایت از هدایای طبیعت برای زنان است، البته نه زنان مصری که بی‌هیچ پوششی زشتی‌های خود را به نمایش می‌گذارند (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

یکی دیگر از نکات شایان توجه، همبستگی و اتحاد در خانواده است که حتی شامل خدمه هم می‌شود. از آنجا که فاصله‌چندانی میان خانم و کنیزها وجود ندارد، آنها با یک سازگاری دوستانه در کنار هم زندگی می‌کنند؛ چیزی که در اروپا دیده نمی‌شود و کنیزها با اربابان پدرکشتگی دارند. در واقع دلیلی وجود ندارد که غیر از این باشد، چون حتی اگر آن کنیزها برده هم باشند، با آنها به‌خوبی رفتار می‌شود؛ به‌طوری‌که با دیدن این وضعیت بیش از چهار زن بیچاره اروپایی حاضر به عوض کردن آزادی خود با بردگی در شرق خواهند بود. البته با غلامان و خواجه‌ها نیز که باید به این فهرست افزوده شوند، به‌خوبی رفتار می‌شود؛ آنها جملگی دوستان ارباب محسوب می‌شوند و از امتیاز عضویت در خانواده برخوردارند و رفتار ارباب‌شان با آنها هرگز منکر این امتیاز نیست. البته همان‌طور که پیش از این هم گفته شد، ایرانی‌ها به‌علت ادب و نزاکت بر سایر ممالک ارجحیت دارند و هرگز این مثال در میانشان به

فراموشی سپرده نمی‌شود: «ادب و نزاکت مانند پولی است که پس انداز می‌شود، البته برای کسی که آن را می‌پردازد، نه کسی که آن را می‌گیرد» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

در کرمانشاه، آدولفو در اتاق مخصوص مهمانان خارجی در خانه‌ای مشترک با خانه نماینده انگلیسی، آقا حسن تاجر ساکن شد. لکن با وجود ناراحتی‌هایی که فرهنگ عبور و مرور با چادر و حجاب خانواده برایش ایجاد کرده بود، توانست ابعاد متفاوتی از زندگی روزمره ایرانیان نظیر بچه‌داری، احکام مذهبی، ازدواج و حتی عادات مرسوم در حرمسراها را مشاهده کند و اینچنین در سفرنامه خود از آن سخن گوید: «در زمان صرف غذا عادت داشتیم که از شکاف در نگاه کنم و باید بگویم که هیچ‌چیز قابل قیاس با روش‌های عجیب زندگی خانوادگی ایرانیان نیست. البته علاقه‌ای به توصیف لحظات زندگی زناشویی‌شان ندارم، به‌خصوص در رمضان که بنا به دستورهای دینی چیزی جز کلمه «الله! الله! الله!...» به گوش نمی‌رسد. روزی از طریق آشپز که عادت به گوش دادن به صحبت‌های مشهدی داشت، باخبر شدم که گفت: «این مردم این ضرب‌المثل را فراموش کرده‌اند که: «دیوار موش دارد و موش هم گوش.» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

در بخشی دیگر از توصیف زندگی عمومی مردم هم به آداب و رسوم مربوط به سال‌های اول زندگی یک کودک چنین اشاره می‌کند که: وقتی بچه‌ای پا به این دنیا می‌گذارد، دو روز اول وی را با کره تغذیه می‌کنند و از روز سوم مادرش شروع به شیر دادن به او می‌کند و تا زمانی که او را از شیر بگیرد، کم‌کم همراه با شیر به او میوه هم می‌دهد. به‌جای اینکه آنها را کهنه بگیرند و در معرض هوا قرار ندهند، در حالی که دست و پاهایشان را قنداق کرده‌اند، آنها را بدون محافظت از سرما یا باران در حیاط یا پشت‌بام رها می‌کنند. اگر مادری قادر به شیر دادن به کودک نباشد، برایش دایه می‌گیرند، کسی که تا زمان زنده بودنش از او حمایت می‌کنند. در نتیجه این کار، ازدواج کودکانی از والدین متفاوت که از شیر یک زن تغذیه کرده‌اند (همشیره)، مجاز نخواهد بود. در سه‌سالگی اولاد پسر را ختنه می‌کنند، در آن روز جشن بزرگی برپا می‌کنند و همه از افراد خانواده گرفته تا دوستان به آن جشن می‌آیند. جشنی با گروه نوازنده‌ها و خواننده‌ها و پسرک با لباس‌های پرزرق و برق در آغوش یکی از دوستان قرار می‌گیرد تا هنگامی که آرایشگر با تیغ ریش‌تراشی پوست روی ختنه‌گاه را می‌برد، این کار در یک چشم به‌هم زدن تمام می‌شود. فریادهای کودک با گذاشتن شیرینی در دهانش خاموش می‌شود و نوازنده‌ها شروع به نواختن می‌کنند و مهمانان به والدینش تبریک

می‌گویند. شاید اگر نحوه استفاده از کلروفورم را می‌دانستند، کودک مجبور به تحمل این عذاب نمی‌بود (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

ویژگی زنان ایرانی در دوران قاجار

زنان در دوره قاجار نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند، ولیکن به دلیل حضور در خانه و عرصه خانه‌داری نادیده گرفته شده و معمولاً مسئولیت‌های اجتماعی نداشتند. ورود مأموران، گردشگران اروپایی و سفرنامه‌هایی که از مشاهدات خود بر جای گذاشتند، به تدریج موجب شد تا در وضعیت آنها تغییراتی به وجود آید که در دوران ناصرالدین شاه جرقه‌هایی از آن مشاهده شد (دهقان حسام‌پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳). آدولفو در این خصوص به تمجید زنان ایرانی، دوستی، سازگاری و آزادی آنان پرداخته که حکایت از چشم تیزبین این جهانگرد اسپانیایی دارد و در مورد پوشش و اجتناب زنان برای دیده‌شدن، تعدد فرزندان و تلاش بسیاری از آنان برای امرار معاش (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۹۷) سخن گفته است. در واقع از دیدگاه آدولفو، زنان ایرانی فراتر از توان جسمی خود، بار سنگین زندگی را به دوش کشیده و در عین حال، در سکوت و گمنامی وظایف خود را بدون داشتن هر گونه چشمداشت و پاداشی به انجام می‌رسانند. در مسیر سفری که آدولفو سپری می‌کرد، هنگامی که در ۲۴ آبان ۱۲۲۹ به خرم‌آباد رسید، روایتی از مشاهدات خود در خصوص زندگی یکی از زنان منطقه به دست داده که حکایت از درک صحیح وی از وضعیت و شرایط زنان ایرانی دارد. در جایی می‌نویسد: «آنجا یک زن نظر مرا به خود جلب کرد، زنی که بدون شک بیش از هر یک از زنان هموطن ما از او کار کشیده بودند؛ روی هر شانهاش بچه‌ای داشت و طفلی شیرخوار هم در میان بازوی چپ داشت که به او شیر می‌داد و در نهایت با این همه بار سنگین برای امرار معاش‌اش در همان حال آواز می‌خواند» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

مهمان‌نوازی ایرانیان در دوران قاجار

ایرانیان از دیرباز به عنوان مردمانی مهمان‌نواز در جهان شناخته می‌شدند. آدولفو نیز در سفرنامه خود از خصیصه مهمان‌نوازی ایرانیان به نیکی سخن رانده و از مهمانی بزرگی که در آن دوران دعوت شده، تعریف می‌کند که در خود آداب روح‌نوازی دارد. از جمله در مورد لباس مخصوص، آداب مخصوص، پذیرایی مخصوص که مجلل و وصف‌ناپذیر خوانده و می‌نویسد: «در بین مردم عادی‌تر نیز مهمان‌نوازان خوبی هستند و خوشرو و نیک‌رفتارند، به طوری که هرگز در

خانه‌های خود را نمی‌بستند و تا پاسی از شب در خانه‌های آنان باز بوده تا مهمان و فردی ناشناس در راه نماند. آدولفو به حاکمان نیز توجه ویژه داشته و در چارچوب مهمان‌نوازی ایرانیان و آداب مهمانی‌های حکام ایرانی که از مصادیق جلوه‌های فرهنگی مردم سرزمین پارس برمی‌شمرد و شاه ایران را فردی بشاش و خوشرو و مهمان‌نواز معرفی می‌کند و از میزبانی‌شان در باغ، برپا کردن مراسم شکار و موارد دیگر نیز مطالبی ارائه داده که بیانگر این است که شاهان ایرانی با تمام قوا از مهمانان و نمایندگان که به دربار آنها رفتند، میزبانی می‌کنند و تمام سعی خود را می‌نمایند که خاطره خوبی از خود بر جای نهند» (ریبادینرا سانچز، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

ویژگی‌های فرهنگی

آداب غذا خوردن

سبک خوردن و آشامیدن در میان جوامع مختلف از جمله ایرانیان طی همه دوره‌های تاریخی در شمار رسوم فرهنگی و سنتی محسوب می‌شود. چنانکه اشاره شد، در ایران نیز خوردن و آشامیدن آدابی داشته که محققانی چون چارلز جیمز از طبیبان دربار قاجار در نوشته‌های خود بدان اشاراتی داشته‌اند. جیمز در کتاب خود تحت‌عنوان «تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه» آداب و تشریفات دو وعده شام و نهار غذای شاه که از آن تعبیر به غذای همایونی می‌کند را تشریح کرده و ذیل آداب غذاخوری، تعداد غذاها، نحوه سرو غذا و تنوع آنها را به تصویر کشیده است (دودانگه، ۱۳۶۶: ۴۳).

آداب غذایی نشانه فرهنگ عمیق هر کشور شمرده شده، انواع غذاها، طرز تهیه و کیفیت آنها مورد توجه قرار گرفته است تا جایی که برخی غذاها، ملی معرفی شده، غذای عامه جدا از غذای طبقات اشرافی طبقه‌بندی شده‌اند. حتی فراتر از آن، آداب غذا خوردن وابسته به ارزش‌های سنتی و مذهبی محسوب می‌شدند. ورود اروپائیان به ایران و همراه با آن، تحول در عادات غذایی مردم، عامل دیگری شد تا در فرهنگ غذایی و آداب غذا خوردن ایرانیان تغییرات جدیدی رخ دهد (محمدی آیین، ۱۳۹۵: ۸۰).

آدولفو نیز مانند هر جستجوگر بیگانه‌ای که در میان عادات جامعه میزبان، آداب فرهنگی آنان را مورد توجه قرار می‌داد، از عادات، رسوم و فرهنگ غذایی مناطق مختلف از جمله گیلان و مازندران غافل نبود و در خصوص غذا خوردن ایرانیان توصیفات را به دست داده است. از تهیه برخی غذاها مانند پلو یا چلو سخن رانده و به رسم قهوه‌خانه که در بین مردم

ایران رواج داشت و علاقه وافر آنها به استعمال قلیان بعد از غذا پرداخته است: «ترک غذا بهتر از ترک قلیان است» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۳۴). آدولفو به سیاق همیشه و طبق اطلاعات موجود و مشاهدات خود، توصیف کاملی از آداب و رسوم منطقه ارائه کرده که از آن جمله چگونگی طبخ برنج توسط اهالی شمال ایران را می‌توان نام برد یا غذاهای مختلف آنها و اینکه به چه روشی قهوه آماده می‌کنند را تشریح کرده است. «قهوه را هم به روش خاص و متفاوتی آماده می‌کنند، هر بار که می‌خواهند قهوه بنوشند، ابتدا آن را تفت می‌دهند و سپس آسیاب می‌کنند. در ابتدا دانه قهوه را داخل یک ظرف لعاب تفت می‌دهند، سپس آن را داخل یک بشقاب می‌ریزند و رویش را با یک دستمال کاملاً می‌پوشانند تا قهوه بوی خوش خود را از دست ندهد. در مرحله دوم، آن را داخل قوری سنگی با دست‌های چوبی می‌ریزند و در یک کتری مسی که گلوبی‌اش باریک‌تر است، آب می‌ریزند تا جوش بیاید، یک قاشق سوپ‌خوری از قهوه را داخل یک ظرف شکلات می‌ریزند، وقتی کف کرد، از روی حرارت برمی‌دارند و دوباره بعد از چند دقیقه روی حرارت قرار می‌دهند. پس از سه بار تکرار این کار چند قطره آب سرد به قهوه اضافه می‌کنند تا دم بکشد و سپس آن را سرو می‌کنند و هرگز قهوه را با شکر نمی‌نوشند» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

مراسم عزاداری محرم و تعزیه

شواهد برجای مانده از حکومت قاجار گویای این است که در این زمان به تمایلات دینی مردم توجه خاصی مبذول شده که ماحصل آن رونق و رواج عزاداری برای امام حسین (ع) و دیگر مراسم مذهبی بوده است. در این دوران، علاوه بر رشد و توسعه عزاداری و شرکت همه قشرها و گروه‌ها در مراسم عزاداری، شیوه‌های نوینی حاصل شد که موجب رشد و دگرگونی‌هایی در این عرصه گردید. یکی از زیباترین توصیفات آدولفو در سفرنامه‌اش، ایام محرم و هنگام ورود وی به شهر تهران از سمت دروازه قزوین است؛ او از ازدیاد جمعیت متعجب بود. همچنین به توصیف عزاداران و شمایل ظاهری آنها پرداخت که «سرتاسر لباس سیاه بر تن داشته و چهره‌های خسته و ظاهر شلخته از ویژگی‌های عزاداران است» که در فواصل مراسم‌شان گاه‌گاه قربانی می‌کنند و همین «مراسم قربانی کردن»، به یاد شهادت علی (ع) و فرزندان و شهادت پیامبر (ص) اسلام انجام می‌گیرد. مردم برای این منظور طی این دوره غم‌انگیز، نمایش‌هایی را داخل تکیه‌ها، حسینیه‌ها، چادرها و یا در هوای باز اجراء می‌کنند که تعزیه نام دارد و تقریباً به‌مانند همه مراسم دینی می‌باشد» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

اعتقاد مردم به نماز باران

در ریشه‌یابی مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام و طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، گویا پیامبر (ص) در زمان خشکسالی، دو بار در سال‌های ۶ و ۹ هجری بعد از غزوه تبوک نماز باران خواندند. پس از هر دو بار نمازی که برپا شد، برای هفت شبانه‌روز باران بارید که به‌تدریج به یکی از سنت‌های مذهبی ایرانیان تبدیل شد. با این مفهوم که هر زمان خشکسالی و کمبود آب پدیدار می‌شد، برای نزول رحمت الهی و آمدن باران نماز می‌خواندند و به آن نماز باران می‌گفتند. با این اعتقاد که بی‌آبی یک منطقه و نیامدن باران، نشان قهر خدا و گناه به سبب گناهی است که مردم جامعه انجام می‌دهند. پس توجه به خدا، گریه، التماس، توبه و تضرع سبب عنایت خداوند شده، کم‌آبی برطرف و تمام این امور با جلب رحمت خداوند به وقوع پیوسته است. این مسئله از نظر آدولفو نادیده نمانده، در بخش‌هایی از سفرنامه خود بدان اشاره کرده است. از دید او ایرانیان دارای اعتقاد راسخ بودند و در توصیف نماز باران مردم در شوشتر بیان می‌کند: «هنگام ورود به اینجا خواب عمیقی مرا در بر گرفته بود که اندک زمانی بعد با سر و صدایی که در اتاق توسط حاملان هدایا ایجاد شده بود، در هم شکست. این افراد قصد داشتند به‌نام سایر مقامات، به یک خارجی خوشامد بگویند و من همان‌طور که بارها گفته‌ام، از این حسن توجه فرستندگان هدایا کمال تشکر را دارم. یکی از عوامل حفظ وضعیت سلامتی در این مدت، تمیزی حاکم بر محیط بود که به‌همراه هوای مطلوب چنان شوقم را برانگیخت که پیش از گشت زدن در دزفول و قبل از بازدید از شوشتر به این فکر افتادم که گشتی نیز در محرمه بزنم. در حالی که سعی می‌کردم خود را با شرایط جوی وفق دهم، روز چهارم شروع به باریدن کرد و در ادامه ناگهان زمستان به‌دنبال تابستان آغاز شد، این رویداد سبب روبه‌رو شدن با شور و شغف عجیب مردمی شد که از یک‌ماه قبل به مساجد می‌رفتند تا دعا کنند که باران ببارد، تا جایی که یک نفر چندین بره را جهت شکرگزاری از چنین واقعه خوشحال‌کننده‌ای قربانی کرد، وی این معجزه را به ورود حضرت حاکم نسبت می‌داد، در حالی که حاکم با رد چنین نظری آن را پدیده‌ای طبیعی تلقی می‌کرد» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۷۳).

آئین و آداب زرتشتیان

از دیگر مباحث مورد توجه آدولفو که آن را از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان برمی‌شمرد، آئین و آداب زرتشتیان بود. با این ملاحظه که پس از ورود اسلام، پیروان ادیان دیگر ساکن در ایران با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند و از جمله این افراد زرتشتیان بودند

که اسلام و گسترش آن، زرتشتیان را با محدودیت گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه می‌نمود. همین محدودیت‌ها عده‌ای را مجاب به تغییر دین، عده‌ای دیگر را وادار به ترک محل سکونت و عده‌ای را وادار به زندگی در خفا (در مناطق دورافتاده کویری) کرد (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۲۲۶).

روی کار آمدن حکومت قاجاریه در ایران، هم‌زمان با تغییراتی عمده در جهان به‌خصوص اروپا در زمینه‌هایی چون قانون‌گرایی، عدالت، تأمین حقوق فردی و نیز ترقی و پیشرفت بود. این تغییرات در دوران ناصرالدین شاه در ایران تأثیرگذار شد و اقلیت زرتشتی هم‌بی‌نصیب نماند. زرتشتیان که تا آن زمان وضعیت نامطلوبی داشتند، با شکل‌گیری انجمن‌هایی در هند، از سوی هم‌کیشان خود یعنی پارسیان که خواستار کمک به آنها شدند، مورد حمایت قرار گرفتند. به تدریج وضعیت زرتشتیان رو به بهبود نهاد و با تشکیل مدارس، به‌لحاظ فرهنگی پیشرفت‌های شایانی نمودند و تشکیل انجمن‌ها هم به بهبود وضعیت اجتماعی آنان کمک نمود (علیپور سیلاب، ۱۳۸۸: ۱۲).

آدولفو در سفرنامه‌اش در این خصوص نوشته است: «دین زرتشت آئین و آداب ویژه‌ای دارد که پیروان آن در همه حال بدان پایبند بودند» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۲۲۷). از نظر او زرتشتیان، انسان‌های متدینی هستند که روی زمین نمونه ندارند و اعمال مذهبی سخت و پرزحمت انجام می‌دهند و همچنین پیش از ادا کردن آئین آتش، پیش از خوردن، آشامیدن و خوابیدن، پیش از استحمام، در هنگام عطسه، به هنگام افروختن چراغ، هنگام آغاز سفر یا یک مبادله و پس از کوتاه کردن موها و ناخن‌ها دستورهای اوستا را تکرار می‌کنند (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

جشن نوروز

عید نوروز که یکی از اعیاد ملی دو هزار ساله ایرانیان بوده، همیشه از سوی افرادی که به این سرزمین آمده و در هنگام برگزاری جشن نوروز با آن روبرو شده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است، چرا که یکی از کهن‌ترین جشن‌های به‌جا مانده از دوران ایران باستان محسوب می‌شود (آقاجری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵).

آدولفو علاوه بر اشاره به فرهنگ عمومی مردم ایران، نوروز را یکی از وجوه قیاسی فرهنگ ایرانی دانسته و تأثیر آن بر دیگر فرهنگ‌ها را مؤثر خوانده است. از نوروز به‌عنوان یکی از میراث‌های باستانی نام می‌برد که توسط مردم ایران‌زمین و دولت قاجار به زیباترین شکل ممکن برپا می‌شده است. ایرانیان آن را سحرانگیز می‌دانستند و در حقیقت به‌مانند یک

سیستم مدیریتی برمی‌شمرند که شاهان و افراد را بر آن می‌داشت تا مشکلات را هدایت و رهبری نمایند، به امید آنکه در سال جدید و نوروز اوضاع بهبود یابد ((ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۲۰۶). وی در همین راستا می‌نویسد: «این امر بیشتر به خرافات شبیه می‌باشد، چرا که ایرانیان به درختان و ساختمان‌ها و به گردن طلسم‌هایی می‌آویزند که در سال جدید از چشم بد به دور باشند. همچنین افراد به هم هدایایی می‌دهند تا سال جدید را با اجناس نو آغاز نمایند و این درست به مانند عید شمع ژانویه روم است» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۲۷۴).

تعصبات و خرافات

در خصوص تعصبات و خرافات، آدولفو اشاره می‌کند: «زمانی که عطسه می‌کنند لازم است دو عطسه کنند، حتی اگر عطسه دوم به خودی خود نیاید، چرا که یک عطسه برای حضار بداقبالی می‌آورد. کسی که عطسه می‌کند، باید کز کرده و هر گونه حرکت یا صحبتی را متوقف کند و گرنه بدیمن خواهد بود. اگر به هر دلیلی بخواهند به کسی بفهمانند که در اتاقی اضافی است، یک پایشان را دراز می‌کنند؛ کاری بسیار راحت، چرا که صندلی وجود ندارد و همه روی زمین نشسته‌اند. از هیچ کس نباید در مورد دارایی‌هایش، سفرهایش و عقاید مذهبی‌ش سؤال کرد، مگر اینکه سؤال سنجیده باشد و سبب آزار دیگری نشود، زیرا سنت این موضوع را ممنوع کرده است. هر شخصی باید عقاید مذهبی واقعی خود را اعلام کند و تا پای جان به آنها معتقد باشد، اما از آنجا که در همه چیز استثنائی هست، مسلمانان می‌توانند در شرایط خاص دم از عقاید خود نزنند. می‌دانیم که زنان حتی نمی‌توانند از خود نامی ببرند. هر زمانی که هدیه‌ای دریافت می‌کنند، هر چقدر هم که آن هدیه بی‌ارزش باشد، باید بلافاصله با هدیه دیگری جبران‌ش کنند (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

سبک معماری ایرانی - اسلامی

بررسی‌های به‌عمل آمده در خصوص معماری ایران در دوره قاجار به‌گونه‌ای تقلیدی از معماری غربی در آن زمان بوده است (وحدت، ۱۳۹۶: ۱۸)، ولیکن آدولفو آن را تأثیرگذار با سبک معماری ایرانی معرفی می‌کند. ظواهر معماری خانه‌ها با حیاط‌های بزرگ دارای حوض، فضاهای باز، اتاق‌های پهن، دیوارهای کاشی‌کاری شده، گنبد معابد زرتشتی پوشیده از کاشی‌های زیبا، چوب‌های نقاشی شده و مشبک‌کاری‌های گچی و ریزه‌کاری‌های خارق‌العاده کتیبه‌های برجای مانده (بیستون) را مورد بررسی قرار داده است. آدولفو آن را به سبک ایرانی

مرسوم می‌داند که معرف نحوه زیست انسان در آن دوره است و ارتباطی با معماری غربی برقرار نکرده است (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

ذکر این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که وی در طول یک سال به تمام نقاط ایران سفر کرد و در زمان اظهار نظر در خصوص معماری ایران در شهرهای یزد، اصفهان و کاشان حضور داشت. در کنار اشاره به هنر معماری، آدولفو از گلدوزی، سبک و طرح و رنگ فرش‌ها، رنگ، طرح، کیفیت و بافت شال‌ها، تزئینات، اروسی‌ها، تابلوها و اشعار بزرگانی همچون حافظ، فردوسی و سعدی نام برده است و نوشته: «در توصیف یک اثر باستانی یا مدرن با هر نوعی مواجه می‌شویم و اگر نگاره‌های قرآنی که عرب‌ها برای معماری مصور ساسانیان به ارمغان آوردند را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم این معماری میراث آشوریان است که با رسیدن به سیویل اسپانیا، نمایانگر عینی قصر آشور بانی‌پال یا شاه عباس در اصفهان است. حیاط‌های بزرگ دارای حوض، فضاهای باز، اتاق‌های پهن، دیوارهای کاشی‌کاری‌شده، گنبد معابد زرتشتی پوشیده از کاشی‌های زیبا، چوب‌های نقاشی‌شده و مشبک‌کاری‌های گچی؛ اینچنین است زیر و بم و ترتیب هنر معماری، گلدوزی، فرش‌ها، شال‌ها، تزئینات، اروسی‌ها سرشار از رنگ‌های متفاوت و پر زرق و برق، جزئیات معماری آشوری هستند و نیز قریحه منحصربه‌فرد ایرانی را به نمایش می‌گذارند که در آن از جزئیات تا کلیات جز به لحاظ اندازه، تفاوتی وجود ندارد. صد البته نمی‌توان نبوغ معماران، شاعران، نقاشان و نویسندگان آن زمان را نادیده انگاشت» (ریبادنیرا سانچز، ۱۳۹۶: ۲۷۴).

نتیجه‌گیری

تاریخ روابط فرهنگی بین دو کشور یکی از مهم‌ترین وجوه تاریخ روابط خارجی است که در بلندای تاریخ و در همه کشورهای جهان، کارگزاران و نمایندگان کشورهای مختلف از تبعات، برکات و مزایای آن بهره برده‌اند. در ایران نیز از این حیث که فرهنگ همواره به مثابه یک مزیت ویژه در تاریخ این سرزمین، عاملی برای هم‌گرایی و نزدیکی میان ایرانیان با دیگر ملت‌ها بوده، دارای جایگاه ویژه‌ای است. از این رو، در پژوهش کنونی مبتنی بر بررسی روایت آدولفو ریبادنیرا سانچز از ایران و ایرانیان، تلاش شد تا با محور تلقی وی از باورهای فرهنگی و اجتماعی، از منظر دیگری به دسته‌بندی و تفکیک ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان دوره قاجار پرداخته شود. بررسی سفرنامه آدولفو نشان از این دارد که جامعه ایرانی در دوره قاجار تحت تأثیر مدرنیته و سنت قرار گرفته و تا حدودی در تلاش برای برقراری تعادل

هستند. از جمله این موارد می‌توان به سبک معماری ایرانی و اسلامی و همچنین ویژگی‌های زنان اشاره نمود. از یک سو، پای‌بند به سنت بوده و از سویی دیگر به دنبال بهره‌گیری از سبک مدرنی که در اروپا رواج داشت، بودند. بنابراین، سفرنامه او به‌درستی قادر به تبیین ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان در دوره قاجار به‌عنوان دوران طلایی ایرانیان در راستای تلاش برای جذب مدرنیته و دوری از خرافات و تعصبات است.

همچنین در سفرنامه وی می‌توان به سنت‌های کهن ایرانیان در ارتباط با جشن نوروز به عنوان کهن‌ترین جشن که تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای نیز بر اقوام و ملت‌های همسایه داشته است، اشاره نمود. در این سفرنامه، نوروز به‌عنوان نماد باستانی ایرانیان که از نقش قابل‌ملاحظه‌ای در برقراری روابط و تعاملات میان مردم برخوردار بود، یاد شده است؛ سنتی کهن و دیرینه که همچنان از گذشته دور تا دوره قاجار به‌عنوان یک رسم هزاران ساله از سوی ایرانیان محترم شمرده شده و به شیوه باستانی در حال انجام بوده و نماد ایرانیان در عرصه جهانی شناخته می‌شده است. همچنین وی از آئین زرتشت باستانی که با وجود ورود اسلام به ایران و مسلمان شدن گروه‌های بسیاری از ایرانیان، همچنین در برخی از موارد در زندگی روزمره آنها و در تعاملات با یکدیگر از شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی که نشان از پابندی و علاقه به دین زرتشت بوده، یاد کرده است و از جمله این موارد می‌توان به آتشکده‌ها، افروختن چراغ و احترام به معابد اشاره کرد.

در پژوهش حاضر، سفرنامه آدولفو که در زمره کامل‌ترین سفرنامه‌های دوره قاجار است، مبنای بررسی و تحلیل قرار گرفت. از منظر وی ایران از قدرتمندترین نمایندگان تاریخ است، چرا که همیشه آزادانه در قالب جامعه قبیله‌ای زندگی کرده‌اند. ضمن اینکه می‌گوید: سعی شده تا سنت نسل‌های قبل و اقلیت‌ها حفظ شود و اصول منحصربه‌فرد کشورداری استقرار داشته باشد. به دنبال این بررسی و واکاوی، ویژگی‌های بارز اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در دوره ناصری در قالب جدول زیر تهیه و ارائه شده است.

ویژگی‌ها و زوایای اجتماعی و فرهنگی قاجاریان از دیدگاه آدولفو ریباندیرا سانچز

ردیف	ویژگی‌های اجتماعی	ردیف	ویژگی‌های فرهنگی
۱	توجه به تحصیل، رواج و تأسیس مدارس	۱	اعتقادات، آداب و رسوم
۲	ویژگی‌های ارتباطی سلطنت و ارکان حکومتی	۲	مذهب و اعیاد
۳	ویژگی‌های ارتباطی عموم مردم	۳	سوگواری‌ها
۴	اعطای بورسیه تحصیلی	۴	تعصبات و خرافات
۵	آداب و رسوم ازدواج	۵	سبک معماری ایرانی - اسلامی
۶	مهمان‌نوازی ایرانیان		
۷	ویژگی‌های زنان		

با این ملاحظات، باید گفته‌ها و نوشته‌های آدولفو در باره ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان دوره قاجار را حائز اهمیت دانست. ذکر مصادیقی که از لابه‌لای سفرنامه وی استخراج شده، در دو بخش اجتماعی و فرهنگی، ویژگی‌های ایرانیان این دوره را نشان می‌دهد. کلام آخر اینکه از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی ایرانیان که در اثر او مطرح شده، می‌توان توجه به تحصیل، رواج و تأسیس مدارس، ویژگی‌های ارتباطی سلطنت و ارکان حکومتی، ویژگی‌های ارتباطی عموم مردم، اعطای بورسیه تحصیلی، آداب و رسوم ازدواج، مهمان‌نوازی و مختصات ویژه زنان ایرانی را برشمرد. در حوزه فرهنگی نیز اعتقادات، آداب و رسوم، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی، تعصبات و خرافات رسوب کرده در اذهان ایرانیان و سبک معماری ایرانی - اسلامی مطرح شده است.

منابع و مآخذ

فارسی:

آقاجری، سید هاشم و کامران رحمانی، *بازنمایی جشن نوروز در آثار سفرنامه‌نویسان اروپایی در دوره قاجار*، نشریه تاریخ نو، سال ۵، شماره ۱، صص ۲۴-۱.

آیتی، محمود، ۱۳۷۴، *سیری در سفرنامه‌ها - عصر قاجار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه شیراز.

انصاف‌پور، غلامرضا، ۱۳۶۳، *ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه خارجی (مربوط به دوران قاجاریان)*، تهران: زوآر.

ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان دوره قاجار از منظر سفرنامه آدولفو ریبادنیرا سانچز □ ۴۵

حق پرست، فرزین، شبنم مظلوم برهان و حمزه پیربابایی، تأثیر متقابل موسیقی مذهبی و معماری عصر قاجار در تحول فضاهاى جمعی اسلامی (نمونه موردی: تکیه دولت تهران)، نشریه نقش جهان، ۱۳۹۳، سال ۴، شماره ۱، صص ۵۰-۴۳.

ریبادنیرا ای. سانچز، آدولفو، ۱۳۹۶، سفر به قلب سرزمین پارس، ترجمه: مریم حق‌روستا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دهقان حسام‌پور، مهدی و کامران رحمانی، بازنمایی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان ایرانی از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه با تأکید بر سفرنامه‌های اروپائیان فرانسه، انگلیس، آلمان، فصلنامه پارسه، ۱۳۹۲، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۸۷-۶۳.

علیپور سیلاب، جواد، ۱۳۸۸، نقش سیاسی و فرهنگی زرتشتیان در دوره قاجار، پایان‌نامه گروه تاریخ دانشگاه تبریز.

محمدی‌آیین، شهرزاد، نقد و بررسی دیدگاه سفرنامه‌نویسان در باره فرهنگ غذایی ایرانیان در دوره قاجار، نشریه تاریخ نو، ۱۳۹۵، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۹۹-۷۳.

متولی، عبدالله و ساره مشهدی میقانی، رویکرد سفرنامه‌های خارجی عهد قاجار در مورد خلیج فارس، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۹۶، سال ۱۸، شماره ۷۲، صص ۱۰۶-۷۹.

ویل چارلز، جیمز، ۱۳۶۶، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه: سید عبدالله، به کوشش: مهرداد نیکنام و جمشید دودانگه، تهران: نشر طلوع.

لاتین:

Vahid Vahdat, 2017, Occidental Perceptions of European Architecture in Nineteenth-Century Persian Travel Diaries: Travels in Farangi Space Routledge, ISBN 1-4724-7394-9.

